حوادث کوتاه

قتل هولناک زن جوان به دست شوهرش

مرد سنگدل که زن خود را به قتل رسانده بود در عملیات پلیسی دستگیر شد.
سرهنگ زمان‌اله کریمی فرمانده انتظامی شهرستان خرامه گفت: در پی وقوع یک قتل یک زن در ۲۶ تیرماه سال‌جاری در یکی از محله‌های شهرستان خرامه، بررسی موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت.
وی افزود: مأموران در بررسی‌های اولیه مطلع شدند که مرد ۴۵ ساله سنگدل به دلیل اختلافات خانوادگی همسر ۳۵ ساله خود را به شیوه خفه کردن به قتل رسانده و به سمت شهرستان استهبان از توابع استان فارس متواری شده است.
فرمانده انتظامی خرامه ادامه داد: کارآگاهان تحقیقات خود را آغاز و با اقدامات فنی و تخصصی و اخذ نیابت قضایی و همچنین همکاری با پلیس استهبان، موفق شدند قاتل را در خیابان شناسایی و وی را دستگیر کنند.
سرهنگ کریمی با اشاره به اینکه قاتل در بازجویی اولیه به جرم خود مبنی بر قتل به علت اختلاف خانوادگی اقرار کرد، گفت: متهم برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

فرار دختر تهرانی به‌خاطر ۲ پسر

دختر جوانی که توسط ۲ پسر اغفال و از خانه فرار کرده بود، با تلاش پلیس به آغوش گرم خانواده بازگردانده شد.
اواخر تیرماه امسال، مرد میانسالی به یکی از کلانتری‌های جنوب تهران مراجعه کرد و هنگامی که مقابل افسر نگهبان قرار گرفت، گفت: دختر جوانم به بهانه خرید از خانه خارج و دیگر بازنگشته است در این مدت نیز با تمامی آشنایان تماس گرفتم اما کسی از او خبری ندارد؛ نگرانم بلایی سر دخترم آمده باشد.
پس از ثبت شکایت از سوی این مرد میانسال، موضوع رسیدگی به پرونده با دستور بازپرس جنایی در دستور کار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت که در بررسی‌های مشخص شد، دختر گمشده با یک پسرجوان در فضای‌مجازی به صورت پنهانی ارتباط داشته است.
تحقیقات ابتدایی نیز حکایت از آن داشت که دختر گمشده پس از دریافت پیشنهاد ازدواج از سوی پسر جوان در فضای‌مجازی با طراحی نقشه قبلی به بهانه خرید از سوپرمارکت محل، خانه خود را ترک و فرار کرده است.
مأموران پلیس در گام بعدی با اقدامات فنی و مخابراتی هویت متهم را شناسایی کردند و متوجه شدند وی با همکاری دوست خود دختر جوان را اغفال کرده‌اند که همین سرنخ کافی بود تا متهمان پرونده در یک قدمی دستگیری قرار بگیرند.
تیم پلیسی پس از دریافت این اطلاعات مهم، با دستور قضایی راهی مخفیگاه ۲ پسر جوان در جنوب تهران شدند و آنها را دستگیر و دختر جوان را در کوتاه‌ترین زمان ممکن پیدا کردند؛ متهمان نیز پس از انتقال به پلیس آگاهی در تحقیقات ابتدایی به جرم خود مبنی بر اغفال دختر جوان اعتراف کردند.
با دستور بازپرس جنایی، دختر اغفال شده که با تلاش پلیس نجات پیدا کرده بود به آغوش گرم خانواده‌اش بازگردانده شد و متهمان برای روشن شدن زوایای پنهان پرونده در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

بازداشت ۲ زن که دزد خودروها بودند

سارقان خودرو که ۲ زن بودند در زابل شناسایی و دستگیر شدند.
سرهنگ حمید نوری رئیس پلیس زابل گفت: در پی وقوع چند فقره سرقت قطعات و محتویات درون خودرو در سطح شهرستان زابل، به دلیل حساسیت موضوع شناسایی و دستگیری سارق یا سارقان در دستور کار مأموران پلیس آگاهی این فرماندهی قرار گرفت.
سرهنگ نوری تصریح کرد: مأموران پلیس با تلاش شبانه‌روزی و انجام یک سری اقدامات پلیسی، نهایتاً متهمان که ۲ زن بودند، شناسایی و آنها را در یک عملیات غافلگیرانه در حین سرقت از یک دستگاه خودرو سواری دستگیر کردند.
این مقام انتظامی اظهارداشت: متهمان زن پس ازانتقال به پلیس آگاهی در بازجویی‌های تخصصی پلیس، به ۸ فقره سرقت قطعات و محتویات درون خودرو از جمله ضبط و پخش، فلش، جک و آچار اعتراف کردند.
فرمانده انتظامی شهرستان زابل در پایان از مردم خواست ضمن توجه به هشدارها و توصیه‌های انتظامی در صورت اطلاع از هرگونه مورد مشکوک، بلافاصله مراتب را از طریق سامانه ۱۱۰ به پلیس اطلاع دهند.

عروس افیون با رتبه دورقمی کنکور

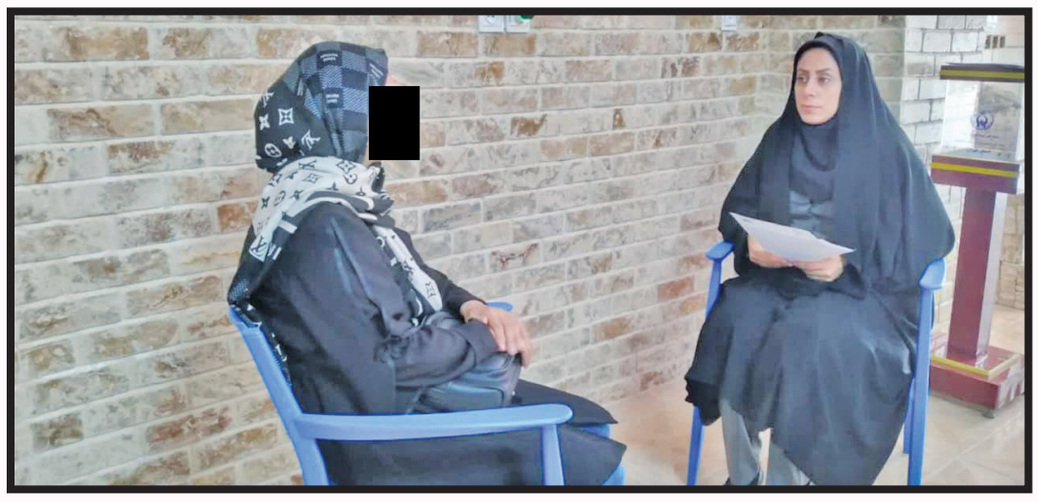

دختر جوان که نابغه ریاضی بود و در کنکور رتبه دو رقمی داشت در سرمستی قبولی دانشگاه به خواستگارش بله گفت و پای در خانه سیاه گذاشت.

ازدواج عجولانه

اوایل تابستان بود که همزمان با نتایج کنکور پسر جوانی همراه خانواده‌اش به خواستگاری‌ام آمدند. آنقدر از ذوق قبولی‌ام در کنکور آن هم با رتبه دو رقمی خوشحال بودم که نفهمیدم چطور شد به خواستگارم جواب بله گفتم، جوابی که پدر و مادرم مخالف آن بودند که ای کاش به حرفشان گوش می‌کردم و هیچ وقت بله نمی‌گفتم.
به گزارش «ایران»، تازه ۱۸سالگی را تمام کرده بودم که لباس سفید بخت به تن کردم، پدر و مادرم موافق ازدواجم نبودند و بعد از عروسی هم از خانواده طرد شدم.

باختن آرزوها

دو سه ماه از ازدواجمان گذشته بود که من با خوشحالی برای ثبت‌نام دانشگاه آماده می‌شدم که شوهرم مانع ادامه تحصیلم شد و آرزوی رفتن به دانشگاه در دلم ماند. دیگر پای برگشتن به خانه را هم نداشتم. این شد که پا روی خواسته‌ام گذاشتم، یک سال نشده بود که من باردار شدم و در این شرایط بود که متوجه شدم شوهرم رامین اعتیاد دارد... اعتراض کردم اما پاسخ اعتراضم فقط کتک بود، پسرم در اوج ناراحتی و افسردگی من به دنیا آمد. اعتیاد همسرم هر روز بیشتر از روز قبل بود و دیگر دوستانش را هم پای بساطش به خانه می‌آورد. راه فراری نداشتم، هر چه فکر می‌کردم می‌دیدم که چه سرنوشت شومی پیدا کردم. صحبت‌های پدرم هر روز جلوی چشمم بود که می‌گفت عجله نکن، درس بخوان و بعد ازدواج کن.

اعتیاد عروس نابغه

یک روز صبح که از خواب بلند شدم دیدم پسر شش ساله‌ام را رامین پای بساطش برده انگار آب داغ بر تنم ریختند، دستش را گرفتم و نمی‌دانم چطور شد که از آن اتاق بیرون آمدم...
در روزهایی که رامین مرا کتک می‌زد و از درد به خود می‌پیچیدم او با مخدرهایی که داشت مرا نیز آلوده کرده بود و با این وضع به خانه پدرم پناه بردم.

بازگشت به آرزوها

هفت سال از خانه پدری طرد شده و گرفتار دخمه شوهری شده بودم که هیچ احساس مسئولیتی به من نداشت و مرا از آرزوهای بزرگی که در سر داشتم جدا کرده بود. من شاگرد ممتاز رشته ریاضی فیزیک و با رتبه دو رقمی در دانشگاه رشته مهندسی قبول شده بودم و می‌خواستم مهندس شوم اما حالا یک زن معتاد با یک کودک بودم که معلوم نبود چه سرنوشتی دارد...
وقتی مادرم در خانه را باز کرد اصلاً مرا نشناخت، وقتی ماسک روی دهانم را پایین آوردم تازه فهمید من همان دختر چشم آبی او هستم که با ناز مرا بزرگ کرده است.
از ناراحتی بی‌هوش شد و روی زمین افتاد، دو خواهرم سپیده و سعیده خیلی زود جلوی درآمدند و در حالی که از دیدن من شوکه شده بودند مادرم را به خانه بردند.
پدر در خانه نبود، وقتی لباس‌هایش را روی آویز اتاق دیدم بی‌اختیار آنها را به آغوش کشیدم و بوسه زدم. خواهرانم، پسرم آرش را به حمام بردند و من کنار مادرم ماندم دستانش را بوسیدم.... از پشت پنجره به حیاط کوچک خانه‌مان نگاه می‌کردم و خاطرات مجردی در مقابل چشمانم رژه می‌رفتند که ناگهان پدرم از در وارد حیاط شد. دستش یک سطل ماست و دو نان سنگک بود، خیلی زود خودم را از اتاق به بیرون کشاندم و به حیاط رساندم. پدرم تا صورتم را دید سطل ماست از دستانش افتاد و چشمانش پر شد و من در این لحظه به آغوش او پناه بردم. او سعی داشت مرا بغل نکند، اما انگار نتوانست محبت پدرانه‌اش را از من دریغ کند. دقایقی من اشک‌ریزان در آغوش او ماندم و پشت هم طوطی‌وار با جملاتی کوتاه به پدرم گفتم اشتباه کردم، باید حرف شما را گوش می‌کردم، کمک کن پدر....
امروز در مقابل شما نشسته‌ام، دو خواهرم مرا اینجا آوردند تا کمکم کنید تا خوب شوم...
اعتیادم را کنار گذاشتم و می‌خواهم درس بخوانم، اما افکار آن خانه شوم ذهنم را پریشان کرده و قدرت تمرکز ندارم.

نگاه کارشناس

فهیمه محمدیان کارشناس ارشد روانشناسی

قدرت انتخاب بویژه در موقعیت حساس زندگی بسیار حائز اهمیت است، اما این قدرت زمانی کارساز است که شما بتوانید با استفاده از اطلاعاتی که دارید بهترین تصمیم را بگیرید. گاهی خود ما این قدرت را نداریم و صرفاً از روی احساس تصمیم‌هایی را می‌گیریم که می‌تواند سرنوشت ما را دچار مشکل کند. بنابراین بهتر است قبل از اینکه کاسه پشیمانی را به دست بگیریم سعی کنیم برای تصمیم خود از کسانی کمک بگیریم که قطعاً دانش و تجربه بیشتری دارند.
تصمیم‌های عجولانه از جمله تصمیم‌هایی است که متأسفانه قدرت و اختیار را از فرد می‌رباید.
برخی عوامل هنگام تصمیم‌گیری باعث می‌شوند ما نتوانیم درست و منطقی فکر کنیم و تصمیم‌گیری صحیح و به موقعی نداشته باشیم؛ این عوامل عبارتند از: **ترس**؛ یکی از عواملی که باعث می‌شود افراد از تصمیم‌گیری فراری باشند، ترس از تصمیم‌گیری است. ترس از تصمیم‌گیری باعث می‌شود توانایی تشخیص و انتخاب راه‌حل صحیح را نداشته باشیم. بسیاری از افراد برای فرار از تصمیم‌گیری‌های بزرگ، تصمیم‌های کوچک و سطحی می‌گیرند که باعث می‌شود در آینده نیز پشیمان شوند. **ارزیابی و تحلیل بیش از اندازه**؛ اگر از افرادی هستید که برای حل یک مسأله بیش از اندازه به آن فکر می‌کنید، به احتمال زیاد هنگام برخورد با مشکلات بزرگتر نیز دیرتر به نتیجه می‌رسید. شما به عنوان یک انسان می‌توانید خود را متقاعد کنید و با تجزیه و تحلیل نادرست اطلاعات، در مسیر اشتباهی قرار بگیرید؛ در نتیجه این ویژگی باعث می‌شود که تصمیم‌گیری‌های نادرستی داشته باشید. برای جلوگیری از تصمیم‌گیری اشتباه، از تحلیل کردن بیش از اندازه بپرهیزید. اعتماد به‌نفس پایین؛ گاهی اوقات متوجه توانایی‌های خود نمی‌شویم و تصور می‌کنیم که سایر افراد در مواقع حساس، بهتر از ما تصمیم‌گیری می‌کنند؛ این مسأله باعث می‌شود پیشرفتی نداشته باشیم. برای رسیدن به موفقیت، خود را باور داشته باشید؛ تمام نقاط قوت و نقاط ضعف خود را شناسایی کنید؛ روی نقاط قوت خود سرمایه‌گذاری و ضعف‌های خود را شناسایی کنید. شناسایی ضعف‌ها و محدودیت‌ها باعث می‌شود تصمیم‌گیری‌های صحیحی داشته باشید و با شجاعت به سمت اهداف خود گام بردارید. **شک و تردید**؛ شک و تردید بی‌صدا وارد قلب افراد می‌شود و آنها را به انسان‌های ترسو تبدیل می‌کند. شک و تردید باعث می‌شود نگران عواملی باشید که اهمیت زیادی ندارند. برای مثال باعث می‌شود همیشه این سؤال را بپرسید اگر تصمیمی که می‌گیرم درست نباشد چه اتفاقی می‌افتد. **تنبلی و راحت‌طلبی**؛ همه افراد دوست دارند در رفاه و آسایش باشند و به خود زحمت فکر کردن ندهند. معمولاً افرادی که از روی تنبلی و راحت‌طلبی تصمیم‌گیری می‌کنند، همه راه‌حل‌ها را در نظر نمی‌گیرند و فقط به راحت‌ترین راه‌حل فکر می‌کنند. بهتر است برای داشتن تصمیم‌گیری درست و پیشرفت در زندگی، از روی تنبلی و راحت‌طلبی تصمیم‌گیری نکنید. **عجله کردن**؛ زمانی که با عجله تصمیم‌گیری می‌کنید، تمرکز زیادی ندارید. در این حالت بهتر است ذهن خود را آرام کنید و با دور شدن از مشغولیت‌ها با تمرکز بیشتری تصمیم‌گیری کنید. عجله کردن باعث می‌شود شما همه راه‌حل‌ها را پیدا نکنید و حتی تصمیم‌گیری اشتباهی داشته باشید. **بی‌تجربه بودن**؛ یکی دیگر از عوامل تصمیم‌گیری‌های نادرست، بی‌تجربه بودن است. برخی والدین با وسواس زیادی برای فرزندان خود برنامه‌ریزی می‌کنند و این مسأله باعث می‌شود فرزندان در آینده نیز تجربه کافی و لازم برای تصمیم‌گیری‌های درست و به‌موقع نداشته باشند. **نظرسنجی از افراد زیاد**؛ برای تصمیم‌گیری، مشورت کردن با افراد آگاه کار بسیار خوبی است. اما اگر از هر کسی نظرخواهی کنید، راه‌حل‌های زیاد و متفاوت شما را سردرگم می‌کنند و با درگیر کردن ذهن شما باعث ایجاد شک و تردید در تصمیم‌گیری می‌شوند. پس بهتر است برای نظرسنجی به سراغ افراد کمتر اما با تجربه بالاتر بروید. **نداشتن اطلاعات کافی**؛ گاهی اوقات نداشتن اطلاعات کافی باعث تصمیم‌گیری‌های اشتباه و پشیمانی می‌شود. بهتر است برای تصمیم‌گیری صحیح، درباره موضوع مورد نظر بیشتر تحقیق و کتاب‌های بیشتری مطالعه کنید تا با استفاده از آنها راه‌حل‌های منطقی پیدا کنید و در نهایت **سماجت**؛ سماجت یکی دیگر از عوامل تردید در تصمیم‌گیری‌ها است که باعث می‌شود متوجه راه‌حل‌های درست‌تر و منطقی‌تر نشوید. سماجت زیاد باعث می‌شود منطق خود را از دست دهید و به جای موارد مهم روی چیزهایی تمرکز کنید که اهمیت زیادی ندارند.

اعدام برای یک خیانت سیاه

رابطه سیاه زن و مرد متأهل، مرد جوان را در یک قدمی اعدام قرار داد و قضات دادگاه زن جوان را به شلاق و یکسال کار عام‌المنفعه محکوم کردند.
اوایل فروردین ماه امسال مرد جوانی به پلیس آگاهی رفت و از همسرش و یک مرد غریبه شکایت کرد.
وی گفت: من و همسرم ۵ سال است که با هم ازدواج کرده‌ایم. اما مدام با هم اختلاف داریم و طی دو هفته گذشته اختلاف‌های ما با هم بیشتر شد و من متوجه رفتارهای مشکوک همسرم شدم و او را زیر نظر گرفتم تا اینکه چند روز قبل پی بردم همسرم با یکی از بستگانم که او نیز متأهل و صاحب یک فرزند است رابطه پنهانی دارد. من حتی در گوشی موبایل همسرم عکس‌های آنها را دیدم و حالا از آنها شاکی هستم.
با این شکایت زن و مرد مورد نظر بازداشت شدند. آنها که منکر رابطه پنهانی بودند در مسیر تحقیقات به رابطه سیاه اعتراف کردند و پلیس در بازبینی فیلم‌های ذخیره شده در گوشی موبایل آنها اسنادی را مبنی بر رابطه پنهانی کشف کرد.
بدین ترتیب، زن و مرد جوان در شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند. در ابتدای جلسه شوهر زن گفت: قبول دارم با همسرم اختلاف داشتم اما هرگز فکر نمی‌کردم او به من خیانت کند. من وقتی فیلم‌های گوشی موبایل همسرم را بررسی کردم متوجه شدم همسرم از ۲ سال قبل با این مرد رابطه پنهانی دارد. او حتی برای همسرم جشن تولد گرفته و با هم عکس‌های خصوصی گرفته بودند. من برای هر دوی آنها اشد مجازات می‌خواهم.
سپس زن در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: من از همان ابتدای ازدواج با همسرم اختلاف دارم. ما هیچ رابطه‌ای با هم نداشتیم و من و همسرم به فکر طلاق بودیم. به همین خاطر با این مرد تلفنی صحبت و با او درد دل می‌کردم.
در این میان شوهر زن نیز برخاست و گفت: قبول دارم در این مدت هیچ رابطه‌ای با همسرم نداشتم اما هرگز فکر نمی‌کردم او به من خیانت کند.
سپس مرد خیانتکار که همسر و فرزند دارد در جایگاه متهم ایستاد و با دیدن عکس و فیلم‌های سیاه ذخیره شده در گوشی موبایلش به رابطه پنهانی با زن جوان اعتراف کرد.
همسر وی که در دادگاه حاضر بود گفت: همسرم با من رابطه خوبی داشت و من اصلاً فکر نمی‌کردم با کسی رابطه پنهانی داشته باشد. من هم برای او اشد مجازات می‌خواهم.
در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به مدارک موجود در پرونده مرد متأهل را به خاطر زنای محصنه به اعدام محکوم کردند.
اما زن جوان به ۱۰۰ ضربه شلاق و همچنین مجازات تکمیلی بدل از حبس محکوم شد. قضات دادگاه زن جوان را محکوم کردند به مدت یک سال پنجشنبه و جمعه‌ها در بخش نظافت یک بیمارستان کار کند.

مجازات‌های بدل از حبس

از وقتی قوه قضائیه سیاست حبس‌زدایی را در پیش گرفت تعدادی از قضات، نسبت به صدور احکام جایگزین حبس اقدام کردند. احکامی جدید و نوآورانه که موجب می‌شود از ورود مرتکبان جرایم کوچک به زندان جلوگیری شود. روندی که می‌تواند روی زندگی آینده آنها و خانواده‌هایشان تأثیر مثبتی داشته باشد.
براساس ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی، مجازات‌های جایگزین حبس عبارتند از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه، محرومیت از حقوق اجتماعی. در این ماده قانونی دوره مراقبت می‌تواند مراقبت از بیمار، سالمند یا کودکان تعیین شود. بسیاری از احکامی که امروزه از سوی قضات صادر می‌شود در زیرمجموعه خدمات عمومی رایگان یا عام‌المنفعه قرار می‌گیرد.
عزیزنوکنده، حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری درباره مجازات جایگزین حبس در گفت‌وگو با «ایران» گفت: این مجازات‌ها فقط برای حبس‌های کوتاه مدت در نظر گرفته شده است. از آنجا که بررسی‌های کیفرشناسی در دنیا نشان داده حبس‌های کوتاه مدت حالت بازدارندگی کافی را ندارند و فقط هزینه‌های زیادی را به دولت که در اصل همان ملت است، تحمیل می‌کند از این‌رو امروزه نیز در کشور ما به صدور احکام جایگزین حبس تأکید می‌شود. چرا که منفعت اجتماعی چنین مجازاتی از حبس بیشتر است. اما آنچه اهمیت دارد این مسأله است که احکام جایگزین فقط می‌تواند به جای حبس‌های کوتاه مدت صادر شود. نوکنده گفت: قاضی پرونده بعد از بررسی وضعیت کلی پرونده و شخصیت مجرم و براساس قانون و قاعده تناسب جرم و مجازات و همچنین گذشت شاکی خصوصی می‌تواند از احکام جایگزین حبس استفاده کند که این احکام می‌تواند تا ۲۵۰ ساعت کار، کتابخوانی یا خدمات عمومی و عام‌المنفعه باشد.

قتل پایان جدال ۱۰۰ تهرانی

پسر جوان در جنوب تهران با شلیک ۲ گلوله به کام مرگ فرو رفت و پلیس با دستگیری ۱۰ مرد در ماجرای درگیری وحشت‌آور جنوب تهران به قاتل مسلح رسید. اوایل فروردین ماه سال گذشته بود که درگیری خونینی در جنوب تهران رخ داد که در آن پسر جوانی به نام رضا غرق خون روی زمین افتاد و خیلی زود مأموران پلیس برای تحقیق پای در صحنه جرم گذاشتند. مأموران با حضور در صحنه درگیری مشاهده کردند رضا ۳۱ ساله از ناحیه ۲ ران هدف گلوله قرار گرفته و در اثر خونریزی به کام مرگ فرو رفته است.
همین کافی بود تا بازپرس ویژه قتل و تیمی از مأموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران برای تحقیق پای در صحنه جرم گذاشتند و مشاهده کردند پسر جوان فقط هدف گلوله قرار گرفته و هیچ آثار زخم و درگیری روی بدنش وجود نداشت. تیم جنایی در این شاخه، تحقیقات میدانی را آغاز کردند و مشخص شد روز چهارشنبه‌سوری ۱۴۰۰ در مراسم آتش‌بازی در این روز، ۲ مرد که از قبل با هم آشنا بودند درگیری لفظی پیدا می‌کنند و در ادامه، این درگیری‌ها به فضای مجازی نیز کشیده شد تا اینکه عامل جنایت همراه همدستانش به خانه رضا رفته و با در دست داشتن قمه و چاقو اقدام به وحشت‌آفرینی و قدرت‌نمایی می‌کند.

شلیک مرگبار

کارآگاهان در ادامه پی بردند که رضا در این ماجرا وقتی در برابر عامل جنایت و همدستانش قرار می‌گیرد از خانه خارج شده تا با آنها درگیر شود که در این صحنه عامل جنایت اقدام به شلیک به سمت رضا کرده و او را از ناحیه ۲ پا هدف گلوله قرار داده و همراه همدستانش از صحنه تیراندازی مرگبار فرار می‌کند که اهالی محل با دیدن این صحنه خیلی زود ماجرا را به پلیس مخابره می‌کنند و رضا نیز به بیمارستان منتقل می‌شود اما تلاش پزشکان برای نجات جان این جوان به نتیجه نمی‌رسد.

درگیری طایفه‌ای

پس از این ماجرا با ادامه درگیری‌های طایفه‌ای ۱۰۰ نفر باعث وحشت‌آفرینی در منطقه شده بودند که ماجرای این درگیری خیلی زود به پلیس مخابره شد و مأموران با حضور در محل موفق به دستگیری ۱۰ نفر از افرادی که دراین سناریو حضور داشتند، شدند و برای تحقیقات بیشتر و شناسایی عامل اصلی قتل رضا در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی تهران قرار گرفتند.

شناسایی قاتل مسلح

کارآگاهان در تحقیق از متهمان به ۲ متهم رسیدند که مشخص شد در صحنه قتل رضا نقش داشتند؛ این در حالی بود که متهمان در بازجویی‌های ابتدایی خود را در ماجرای قتل بی‌گناه معرفی کردند و اصرار داشتند که قاتل و مقتول را نمی‌شناسند. تیم جنایی با توجه به اینکه متهم به شیوه و شگردهای پلیسی آشنا بود در ۷ نقطه شهر تهران به صورت نامحسوس مخفیگاه و پاتوق‌هایی را که احتمال می‌دادند عامل جنایت به آنجا رفته باشد تحت نظر قرار دادند تا اینکه قاتل مسلح در یکی از محله‌های جنوب تهران ردزنی و در یک عملیات غافلگیرانه در محاصره پلیس زمینگیر شد. قاتل مسلح پس از دستگیری دیگر راهی جز اعتراف پیش روی خود نداشت و در بازجویی‌ها به قتل مسلحانه رضا اعتراف کرد و گفت: بخاطر اختلاف و درگیری که روز چهارشنبه‌سوری با مقتول صورت گرفت از هم کینه به دل گرفتیم و اختلافات و کری‌خوانی‌های ما به فضای مجازی هم کشیده شد تا اینکه تصمیم گرفتم به این درگیری پایان دهم. وی افزود: روز حادثه اسلحه کلت کمری در دستم بود و همراه همدستانم با چاقو و قمه به جلوی خانه رضا رفتیم که وی وقتی از خانه خارج شد با شلیک ۲ گلوله او را زخمی کرده و پا به فرار گذاشتم و فکر نمی‌کردم تیراندازی به سمت پا باعث مرگش شود. سرهنگ علی ولیپور گودرزی رئیس پلیس آگاهی تهران گفت: متهم با صدور قرار قانونی از سوی مراجع قضایی، جهت تکمیل تحقیقات کارآگاهان در رابطه با این پرونده، به زندان منتقل شد و تحقیقات در این پرونده جنایی ادامه دارد.